ماهنامه
مردم
ارگان مرکزی حزب توده ایران

مهر ماه ۱۳۴۷ — دورهٔ ششم، شماره چهل و دوم

نامه تبریک کمیته مرکزی حزب توده ایران به کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی بمناسبت سالگرد انقلاب کبیر اکتبر

کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی!
رفقای عزیز!

کمیته مرکزی حزب توده ایران بمناسبت پنجاه و یکمین سالروز انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر از جانب خود و تمام اعضای حزب ما به شما و توسط شما بمردم شوروی شادباش میگوید.

انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر رهائی جامعه بشری را از قید ستم و استثمار و جنگ بنیاد نهاد و راه صحیح تکامل جامعه را بیالی که درراه آزادی اجتماعی و ترقی و نیکبختی میکوشد نشان داد. کامیابیهای مردم شوروی در ساختمان سوسیالیسم و مجاهدات آنان در راه ایجاد بنیاد مادی و فنی کمونیسم در سرنوشت تمام ملل جهان تأثیر عظیم میبخشد.

«بقیه در صفحه ۳»

اعلامیه جلسات گروه کار و کمیسیون تدارک جلسه مشاوره جهانی احزاب کمونیست و کارگری

گروه کار و کمیسیون تدارک جلسه مشاوره جهانی احزاب کمونیست و کارگری ازروز ۲۷ سپتامبر تا اول اکتبر سال ۱۹۶۸ در بودابست تشکیل جلسه داد.

نمایندگان احزاب کمونیست و کارگری شرکت کننده در این جلسات عبارت بودند از:

حزب کمونیست آرژانتین، حزب سوسیالیست متحده آلمان، حزب کمونیست آلمان، حزب کمونیست اتحاد شوروی، حزب کمونیست اتریش، حزب کمونیست اسپانیا، حزب کمونیست استرالیا، حزب کمونیست اسرائیل، حزب کمونیست افریقای جنوبی،

«بقیه در صفحه ۵»

مهرگان توده ها

برخی اطلاعات تاریخی است که مانند نوروز و سده و بهمنگان (یا بهمنجنه) ویژه ائی را باید در جشنهای کشاورزی و کشتزاران جست. ایرانیان در دوران پیش از اسلام هفته نداشتند بلکه هر روز ماه را نام گذاری میکردند. روز شانزدهم هر ماه بنام ایزد «مهر» بود که از مهمترین ایزدان مزدیسنه است. روز مهر را در ماه مهر جشن میگرفتند و این همان جشن مهرگان است که تا دیری پس از سلطه اسلام و بویژه در دوران قزلباش، مراسم برگزاری آن مرافات میشد و سپس دراثر تعصبی که علیه آداب زرتشتی ایجاد شده بود بتدریج مانند جشن سده تعطیل شد. آن ایام مهرگان «جشن شادان و خسروان» بود و آنرا «مهرگان عامه و خاصه» تقسیم میکردند که جمعاً سرانجام سی روز طول میکشید و تنها در «مهرگان خاصه» بار عام میدادند.

از آنجا که تأسیس حزب ما در فهم مهر ماه انجام گرفت کمیته مرکزی حزب توده ایران در مهر ماه ۱۳۲۵ تصمیمی اتخاذ کرد دائر به احیاء جشن «مهرگان». این بار بنام «پیشکار» و سالگرد واقعی آن، خلق زحمتکش ایران، نخستین بار این جشن باشکوه تمام از طرف حزب ما در آستان برپا شد، بعدها هیئت حاکمه شدید این ابتکار ما از حزب ما مانند بسیاری ابتکارات دیگر برباید و مهرگان توده ها را با رنگ دیگر مانند عهد دقیانوس بصورت جشن خسروانه در آورد. ولی مهرگان که جشن یاسداشتی توده هاست، به توده های ایران و به سمبلگوئی واقعی آنها، حزب توده ایران منطبق و در آنان انتکاک ناپذیر است.

مهرگان را بزیبائی
و عزیز بداریم

لذا این جشن دو بار
بر خود ما نخوانده است،
بیست و آنچه که
جشن باستانی مردم سرزمین ایران است. مردم از آنچهت که جشن بنیاد حزب توده ایران است و بوسیله این حزب احیاء شده است، جا دارد ما این جشن را مانند عنصری گرامی برپای داریم و در آن از حزب توده ایران و تاریخ غنی و پرافتخارش یاد کنیم. در ایام باستان ایرانیان جنوب کشور مهر را آفتاب سال میپرستیدند و ایام مهر را ایام «آفرینش» جهان میدانستند. طبریا مقدسه سیحیان که سال را از «سمان» میداند «میگیرند و آنرا باعیاد مسیح و اختلاف اندکی مطابقه میدهند. ولی نوروز برای اکثریت مردم بمدتی آنقدر سال مورد قبول واقع شده است. اما جشن مهرگان را مانند نوروز نتوانسته و سرآغاز پیدایش یک جنبش زمینی، توده ائی هزاران ترقی انقلابی جامعه کشور ما تاثیر داشته و در آینده بیان آنگفته خواهد داشت. این نیز خود میداد آفرینش است بدینها به آفرینش بیداری جهان بلکه آفرینش واقعی جامعه نظام نوین.

حزب توده ایران و جنبش توده ائی ایران که نخستین بار از تجربه تاریخ، بعدت و سعی، تلخ و گیرنده خود که وظیفه مقدس شیر نوین الاقلیون «موخین آن تجارب است بعدوث باین آنوعاتی بیم آنست که مدت ادامه تولید و مغی تکرار شود. حزب ما علیرغم شکستهائی که سخت شده یا نا کامیهائی که داشته از جهت سرعت اجتماعی و نقش عمده تاریخی خود بدون تردید بزرگترین قدرت اجتماعی انقلابی در تاریخ کشور ماست و اگر تواقی تاریخی جشن مهرگان، با روز تأسیس آن، بسبب عزت و تعدس سعد معانی اصیل خلقی، آنرا میآراید، بجرأت میتوان گفت که تمام حزب ما نیز «مهرگان توده»ها جلوه ائی تازه میبینند.

بهمن

در باره انتخابات انجمن شهر

پس از مدتها گفتگو در باره انتخابات انجمن شهر ها و شهرداران و تبلیغ فراوان تحت عنوان «واگذاری کار مردم بمردم» فرمان انتخابات انجمن شهر در تمام شهر ها از طرف وزارت کشور صادر و روز ۱۳ مهر ماه برای انجام آن در سراسر کشور تعیین شد. بلافاصله، چون در کشور دمکرات ما همه چیز حزبی است، فعالیت و مبارزه احزاب ایران نوین، مردم و یان ایرانیست آغاز و بازار «پیشنهاد» های حزبی گرم گردید! مجله خواندنیها در باره این انتخابات در شماره ۶۹ خود چنین نوشت: «در این روزها چیزی باسم انتخابات انجمن شهر با شرکت «هزار آلومیل و سی هواپیما و ۳۲۹۷ کارمند عالیرتبه دولت و بالاخره ۲۰۵۶۲ معتمد محل» در جریان است و بازار مناسبات حزبی، آنهم بصورت حرف و گل گفتن و گل شنیدن در روزنامه های ارگان بالا گرفته است... شرکت بیست هزار و پانصد معتمد محل هم از آن حرفها است. یکی نیست بپرسد اگر ما این همه معتمد محل داریم پس چرا اینقدر نسبت بهم بی اعتمادیم؟! در این میان مضحکتر از همه درقتابهای سهگانگی حزب اکثریت است که در پاسخ باتقاد روزنامه ها دایر بدخالت کارمندان دولت در انتخابات گفته است: «کارمندان دولت از «ذیصلاحیت ترین» افراد این مملکت برای شرکت در انتخابات هستند!»

خواندنیهای شماره ۹۸ از روزنامه «سحر» نقل میکند که: «... در حدود هشتاد در صد انجمن های شهر در سراسر کشور در اختیار حزب اکثریت قرار خواهد گرفت و شهرداران این نقاط که قبلا از طرف حزب اکثریت تعیین شده اند در واقع

«بقیه در صفحه ۳»

پاسخ حزب زحمتکشان ویتنام

به نامه تبریک حزب ما

کمیته مرکزی حزب توده ایران بمناسبت بیست و سومین سال استقلال ویتنام شمالی نامه تبریکی به کمیته مرکزی حزب زحمتکشان ویتنام ارسال داشته بود. اینک تلگراف جوابیه حزب زحمتکشان ویتنام،

به کمیته مرکزی حزب توده ایران

از تبریک شما بمناسبت بیست و سومین سالگرد استقلال ما و از پشتیبانی گرم شما از مبارزه ما علیه تجاوز امریکا و در راه آزادی ملی، از طرف زحمتکشان ویتنام، طبقه کارگر و تمام مردم ویتنام صمیمانه تشکر میکنیم. باشد که دوستی بین احزاب ما و خلقهای ما بیش از پیش گسترش و تحکیم یابد.

کمیته مرکزی حزب زحمتکشان ویتنام

امپریالیسم آلمان غربی

مواضع خود را در ایران مستحکمتر میکند

از ۱۸ تا ۲۱ شهریور ماه کیزینگر صدر اعظم آلمان غربی در ایران بود. کیزینگر سال گذشته هم به ایران سفر کرد. ولی مسافرت اخیر به ایران و ترکیه و افغانستان، یعنی سه کشور هم مرز با اتحاد شوروی، بلافاصله پس از حوادث چکوسلواکی دارای اهمیت خاصی است.

تلاش برای جبران عقب ماندگی از دیگر

ایران بعنوان یک کشور نفت خیز و یک بازار مناسب همیشه مورد توجه خاص امپریالیسم آلمان بوده است. آلمان امپراطوری آلمان هیتلری و آلمان فدرال هریک بشیوه خود ولی همواره با یک هدف یعنی غارت

«بقیه در صفحه ۵»

پیروزی درخشان ستاره های ورزش ایران درمسابقات المپیک

بطوریکه خوانندگان ارجمند «مردم» اطلاع دارند، ورزشکاران ایران در المپیاد سال ۱۹۶۸ که در شهر مکزیکو برگزار شد با وجود قلت نفرات بمرتبه دو مدال طلا، یک مدال نقره و دو مدال برنز نائل آمدند. این کامیابی ورزشکاران ایران که در نبردی بزرگ با حریفان جهانی نیرومند بدست آمده است، نشان میدهد که علیرغم محیط نامساعد ورزش در ایران، محدود بودن دامنه ورزش، بی اعتنائی به کشف و جلب نیرو های بالقوه نسل جوان در شهر ها و روستا ها، رواج فساد و بوروکراسی در سازمانهای ورزشی، حیف و میلها، تبعیض ها، استعداد کشی ها و بویژه نامتجانسی رفتار متصدیان رژیم نسبت به ورزشکاران که توده بار آن مرگ بر از ابهام «تشتی» قهرمانان محبوب است، چه ذخایری از استعداد ها در میان توده جوانان ما نهفته است:

ما پیروزی درخشان ستاره های ورزش ایران را که علیرغم همه دشواریها، برای میهن و هم میهنان خود کسب افتخار نموده اند صمیمانه تبریک میگوییم و آرزو میکنیم که مبارزه جوانان ورزشکار و ورزش دوست برای برافراشتن موانع موجود در راه پیشرفت ورزش و بسط دامنهٔ ورزش قرین موفقیت گردد و زمینه را برای پیروزیهای درخشان تر ورزشکاران تا تأمین نماید.

دنباله از صفحه ۱

در باره انتخابات انجمن شهر

مجری تصمیمات و برنامه های حزب خواهند بود» همین روزنامه میگوید : «مبارزه حزب مردم با حزب اکثریت و جوابگوئی حزب ایران نوین به مردمیها در میان مردم نوعی جنگ زرگری تلقی شده و مطلعین میگویند که سهمیه حزب مردم در انتخابات انجمن شهر قبلا تعیین شده.»

از این قبیل مطالب و اخبار که نشان دهنده ماهیت این انتخابات و نظائر آن است در روزنامه ها و مجلات فراوان است . در حقیقت این انتخابات هم نظیر انتخابات مجلس شورا و سنا پیش از یك صحنه سازی مضحك نیست که بدست همان بازیگران اجرا میشود .

مردم در فرهنگ لغات حکومت ایران دو نوعند یکی ملیونها نفر که کار متعلق به آنهاست و دیگری گروههائی که کار بدست آنها داده میشود . وقتی گفته میشود کار مردم را بدست مردم بعهده باین معنی است که کار آن ملیونها را باین گروهها بعهده الیه کارهای مردم گروه گون است . برحسب نوع آنها گروههائی که باید کار ها بدانها سپرده شود تغییر میکند اگر کار مربوط به اداره کارخانه های دولتی یعنی مؤسسات متعلق بمردم است باید آنها را بدست فئودالهای بورژوا شده و صاحبان سرمایه دار ، اگر کار قانونگذاری است باید بدست نمایندگان و سناتور های دستوری و اگر هم کار مربوط بامور جاری زندگی مردم از معیشت و بهداشت و فرهنگ در یك شهر است آنرا هم باید بگروه مشخصی از ساکنان شهر که یا جزء طبقات حاکمه و یا وابسته بآن هستند سپرد ! شعار واگذاری کار مردم بمردم که عوام فریبانه از طرف حکومت ایران داده میشود قبل از هر چیز اقرار باین واقعیت غیر قابل انکار است که بهر حال تا کنون کار های مردم بدست خودشان نبوده است حال باید دید که آیا قانعشان حقوق مردم واقعاً میخواهند آنها را بصاحبانش بسپارند ؟ مسلماً خیر! این رژیمی که بر محور استبداد میچرخد از مردم واهمه دارد و هیچ قیمتی حاضر نیست که نمایندگان منتخب مردم حتی در امور مربوط بشهرداری دخالت کنند . آنچه رژیم میخواهد دادن رنگ وآب دموکراسی و مردم خواهی به پیکره استبداد و حکومت مطلقه خویش است : این سیاست که شالوده آن دزوغ و ریاکاری است درستاسر اعمال رژیم متمرکز است و مردم هم خوب آنرا دریافته اند . باین جهت است که با اسلحه مقاومت منفی نقشی را که رژیم میخواهد بآنها تحمیل کند ، خنثی میکنند . رژیم مایل است که در انتخابات مجلس شورا ، مؤسسان و هر نوع انتخاباتی مردم از خود جنب و جوش نشان دهند و به حوزه های انتخاباتی هجوم بیارند ولی هنگام انداختن رأی بصندوق ورقه حاضر و آماده ای را که مأموران سازمان امنیت و یا بصورت حزبی بگویم « فعالین حزب ایران نوین » مردم ، بآنها میدهند بصندوق بیاندازند . توده مردم که از این خیمه شب بازی خبر دارند نفرت و انزجار خود را با عدم شرکت در این گونه بازیهای انتخاباتی ابراز میدارند . در انتخابات مجالس شورا و سنا و مؤسسان که رژیم در یکروز با «کاوت الکترال» و آزادی کامل برای «احزاب» انجام داد ، نزدیك به هفتاد در صد از دارندگان حق رأی شرکت نکردند و آنها که شرکت کردند از روی اجبار بود نه اختیار . ترس دولت از مردم بحدی است که از آغاز تا انجام یك کار «انتخاباتی» انواع و اقسام احتیاطات لازم را بعمل میآورد . ابتدا استانداران بتهران خوانده میشوند (البته نه بعنوان انتخابات) و دستورات لازم را از دولت میگیرند . استانداران هم آنچه را استاد گفته بفرمانداران و فرمانداران بیخبشداران باز گو میکنند و سپس مرحله اجرا با تشکیل کمیسیونهائی که اکثریت اعضای آنها از کدخدایی رسیدگی به «صلاحیت» آنهاست شایستگی نامزدها در قاموس رژیم موجود به عبارت از پاکدامنی ، معروفیت و مردم پسند بودن آنهاست ، بلکه شایستگی آنها از لحاظ هماهنگی و تناسب با رژیم ، درجه چاکری بشاه ، نمایشش پیشته توده ای ـ مصدقی و اینگونه مسائل مورد بررسی است . البته احزاب شاه فرموده برای تسهیل کار این کمیسیونها نامزدهای خود را که حائز شرایط لازمند(!) قبلا اعلام میکنند و در تبلیغات خود بمردم میفهمانند که راهی جز انتخاب این نامزدها نیست و بدین ترتیب معلی برای اشخاص شایسته باقی نمیماند و هر که بتواند از شرکت در انتخابات خودداری میکند . حزب دولتی ایران نوین در روز قبل از انتخابات علنا اعلام کرد که «حق چاپ اسامی کاندیدا ها فقط متعلق باجرایی است که از هر حیث «متشکل» میباشند و منفردین باید هنگام دادن رأی اسامی نامزد های خود را روی کاغذ معمولی بنویسند و در صندوق بیاندازند . سخنگوی حزب « اکثریت افزود ، «حزب ایران نوین کاغذ آبی رنگ را برای این منظور انتخاب کرده و باندازه لازم «لیست» نامزد های انتخاباتی حزب بر روی این کاغذها چاپ شده و روز جمعه آینده در حوزه های اخذرأی در اختیار افراد « حزبی » قرارداده خواهد شد تا آنرا بصندوق بریزند» (نقل از اطلاعات ۹ مهر ماه). مسئله دخالت دولت در امر انتخابات تا آنجا روشن است که کیهان از قول روزنامه « حزب مردم» چنین مینویسد : « در چنین گرم بازار تخلفات از جانب حزب حاکم در اکثر شهر ها ، دیگر معلی برای شرکت مؤثر احزاب اقلیت و مردم غیر حزبی در امور معاشی خود باقی نیست و بهمین علت است که در بسیاری از شهر ها ، نامزدهای اقلیت و مردم غیر حزبی استعفای فردی یا جمعی را بر ادامه مبارزه ترجیح داده اند و خود را از مبارزه با دست بسته در برابر رقیبی متخلف ولی با دست باز کنار میکشند.» مجله خواندنیها شماره ۹۸ منقل از روزنامه دیلمات در باره نظر مردم نسبت به اینگونه انتخابات چنین مینویسد : «لاقیدی و عدم اعتنای بامر مهم تشکیل انجمن های شهر مقرون بسوابق گذشته و نحوه انتخابات نمایندگان قوهٔ مقننه بوده که متأسفانه مواعید مصادر امور هم نتوانسته است جامعه را بصحت انجام آن معتقد سازد.»

ما در مورد لزوم تشکیل انجمن شهر و انتخاب شهرداران بطرزی دموکراتیك و همچنین لزوم تشکیل انجمنهای ایالتی و ولایتی نه تنها هیچگونه مخالفتی نداریم بلکه تشکیل این انجمنها را جزء لاینفك رژیم مشروطیت ایران میدانیم که در قانون اساسی ایران پیش بینی شده است . اما در کیفیت انتخابات در میزان قدرت و صلاحیت این انجمن ها ، همانقدر با رژیم موجود مخالف داریم که نسبت بخود رژیم . ما شرط اول هر گونه انتخاباتی را وجود محیطی آزاد میزی از ترس و بیم و دور از هر گونه محرومیت صنفی وطبقاتی و جنسی ومذهبی میدانیم . ما دخالت دولتها را در هر گونه انتخاباتی از جمله انجمن های شهر نقض حقوق مردم و نقض قانون اساسی میشمریم . در کشور ما از آزادی اثری نیست و وقتی آزادی نباشد انتخابات جز انتصابات مفهومی ندارد . کوشش حکومت ایران برای ایجاد فرمهائی بدون محتوی و دادن شعار های درون تهی نمیتواند ذره ای از این واقعیت را پنهان کند که رژیم ایران رژیمی ضد دموکراتیك است . تغییر چند نفر فرماندار یا بخشدار تحت عنوان « دخالت در انتخابات انجمن شهر» و یا نطق غرای وزیر کشور دائر به « آزادی انتخابات » و یا بازی موش و گربه احزاب دولتی بعنوان مبارزه انتخاباتی همه برای پوشاندن چهره ضد دموکراتیك و ضد خلقی رژیم است . انجمن های محلی چه مربوط بشهرداری و چه ایالتی و ولایتی باید سنگرهائی باشند که در آنها نمایندگان توده مردم بتوانند بر اعمال و اقدام مأموران دولتی نظارت کنند و سرنوشت مردم را از لحاظ معیشت ، بهداشت و فرهنگ در دست بگیرند چنین سنگر هائی را که تأثیر آنها میتواند از حد امور محلی تجاوز کند و سیاست کلی داخلی کشور را تحت نفوذ قرار دهد ، رژیم مطلقه بالاختیار بدست مردم نخواهد داد اشغال هر سنگری از سنگر انجمن شهر گرفته تا سنگر پارلمان مستلزم مبارزه بی امان است ، مبارزه ای که در آن باید اکثریت مردم شرکت نمایند .

۱ . درود

جزوه سوم ازجلد اول «سرمایه»

منتشر شد . بهاء ۴۰ ریال

صفحه سرود ها منتشر شد

این صفحه حاوی سرود های اول و سوم و چهارم حزب و یك بند از سرود انترناسیونال و یك بند از سرود جهانی جوانان میباشد .

بهاء ۷۵ ریال و در خارج از ایران یك دلار و یا معادل آن .

«شعله جنوب» منتشر شد

شماره پانزدهم «شعلهٔ جنوب» ارگان تشکیلات خوزستان حزب توده ایران اخیراً منتشر شده است . سر مقاله این شماره به اول ماه مه روز بین المللی کارگران اختصاص دارد . در این مقاله چنین گفته شده است ، « . . . . روز اول ماه مه در کشور های سوسیالیستی شاهد قدرت و عظمت و تکنیك و شور و شعف ، در کشور های آزاد شده از یوغ استعمار شاهد امید ، و در قزل قلعه و زندانهای یوتان و ویتنام جنوبی ، رودزیا و دیگر کشور های سر سپرده و وابسته شاهد تلاش پیگیر زحمتکشان جهان هستیم . . . . طبقه کارگر ایران ، بالاخص کارگران خوزستان با شم سیاسی و ایمان طبقاتی خود میداند که رژیم منفور آمودنا ، بزرگترین دشمن مردم و عظیم ترین عامل بدبختی و اسارت خلقهای ایران است و با علم و یقین باین مسائل و درك عمیق حقایق ، به سنن بین المللی کارگران وفادار است و در هر شرایط علیرغم تمام حیل و دسائس رژیم و به رغم ارعاب و وحشت اعمال نیز مانند سالهای پیش در همه جا دور هم جمع میشوند مسائل و خواستهای خود را در میان میگذارند همبستگی ها و سوگند های خود را تجدید میکنند و در راه احیاء سازمانهای صنفی و سیاسی خویش مصمم تر میشوند .

در مقاله‌ای دیگر تحت عنوان « ازجنجال تبلیغاتی ، تا واقعیت زندگی دهقانان » مبارزات کذشته و حال دهقانان برای زمین و علیه اربابان فئودال و مأموران دولتی تصویر شده است . بخصوص از تحمیلات کوپون سازمان عمران روستائی خوزستان به دهقانان بهانه اجرای « طرح آبیاری دز » یاد شده و پس از اشاره به کفردان دشوار دهقانان و پرداختهای سنگین آنان تحت عنوان قسط زمین ، بهره وام ، مال الاجاره ، آب بها ، قیمت شخم زمین ، بهای بذر گفته میشود ، « با تبلیغات نیتوان شکم مردم گرسنه را پر کرد و فریاد آزادیخواهان را خاموش ساخت . با طرح بدون اجراء و پیوشالی نیتوان انقلاب کرد ، زیرا فرق است بین انقلابی که شاه مدعی طرح و اجرای آنست و آنچه واقعاً انقلاب نامیده میشود . زیرا انقلاب دگرگونی روابط و مناسبات اقتصادی و نابودی کامل طبقات بهره کش بسود طبقات بهره ده در شرایط معین تاریخی میباشد .»

در مقاله‌ای تحت عنوان ، « بطوریکه و همه جانبه فن پنهانکاری را بیآموزیم » به مبارزاتی که در شرایط دشوار کنونی به پیکار انقلابی علیه ارتجاع و امپریالیسم ادامه میدهند توصیه ها و رهنمود های مفیدی شده است . شعار های کمیته های مرکزی حزب توده ایران بمناسبت روز اول ماه مه و پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران به خلقهای

دنباله در صفحه ۴

دنباله از صفحه ۱

امپریالیسم آلمان غربی مواضع خودرا دایران مستحکمتر میکند

منابع ثروت و نتیجه دسترنج مردم میهن ما بفعالیت در عرصهٔ اقتصاد ایران پرداخته‌اند. کودتای ۲۸ مرداد که خوان یغما را برای همه دول امپریالیستی گسترد امکانات جدیدی نیز برای توسعه نفوذ اقتصادی امپریالیسم آلمان غربی فراهم آورد. بدست آوردن مقام اول و یا دوم دربازرگانی خارجی ایران، سرمایه گذاری در بانکها (که برای نخستین بار انجام گرفته) شرکت در اجرای برخی از طرحهای سازمان برنامه، دست یافتن به منابع نفت ایران (که برای نخستین بار انجام گرفته) نمونه هائی از مواضع تازه ای است که امپریالیسم آلمان غربی در اقتصاد ایران بدست آورده است.

ولی در سالهای اخیر یعنی در دوران رشد سریع سرمایه‌داری در ایران انحصار گران آلمان غربی در زمینه سرمایه گذاری از رقبای انحصارگر امریکائی و انگلیسی و فرانسوی و ژاپنی و غیره عقب مانده، یکی از هدفهای عمده تلاش تب آلود اخیر محافل آلمان غربی برای جبران این عقب ماندگی است.

کیزینگر طی یك مصاحبه مطبوعاتی گفته است که «منابع آلمان در دو زمینه بخصوص ممکن است نسبت به امر سرمایه گذاری در ایران علاقه بیشتری نشان دهند» ۱) سرمایه گذاری در بهره برداری از مواد خام ۲) ایجاد یك واحد قوی صنعت پتروشیمی». وروزنامه «مرمیارز» «ازفول» «محافل سیاسی» نوشت: «کمك های آلمان غربی به طرح های کشاورزی ایران بیش از اعتباراتی است که برای تأسیسات اقتصادی و فنی اختصاص داده خواهد شد». سخن دیگر آلمان غربی سیاست همیشگی خود را مبنی بر مخالفت با ایجاد صنایع سنگین در ایران (که بهترین نمونه آن خرابکاری در ساختن کارخانه ذوب آهن بود، با اینکه ساختن آنرا قبل از همه بعهده گرفته بود) ادامه میدهد و مایل است فقط در کشاورزی و بهره برداری از مواد خام سرمایه گذاری کند. سرمایه گذاری در صنایع پتروشیمی هم موافق با آرزوی دیرینه امپریالیسم آلمان برای تسلط هرچه بیشتر منابع نفت ماست و درضمن آینده هم دارد. خصلت غارتگرانه سرمایه گذاری در رشته های مورد علاقه رهم خود کیزینگر صریحاً گفته است: «میزان سرمایه گذاری آلمان بهر حال بستگی بقدرت دولت ایران در تشویق سرمایه گذاران آلمانی در ایران دارد. زیرا این سرمایه گذاران تاجرند وعلاقه آنان بسودآوری است.» بدیهی ساده تر دولت ایران باید بهترین و بیشترین امکانات را برای بدست آوردن سود های کلان فراهم کند؛ در غیر اینصورت از سرمایه گذاری آلمان غربی خبری نیست.

رژیم کنونی ایران که علاقه کردن تمام دول امپریالیستی را در اقتصاد و سیاست ایران برای بقاء خود لازم میداند وعلاوه براین بخشی از محافل حاکم که ایران در گذشته پیوند نزدیکی با امپریالیسم آلمان غربی داشته‌اند و دارند، این «نگرانی» را برطرف کرده است. شاه در مصاحبه مطبوعاتی به روزنامه «نگران آلمان غربی گفت: «کمك بکنوع سرمایه گذاری است که باز دهی خوبی عاید آلمان میکند. شما میتوانید در همهٔ شئون با ما همکاری کنید و درهماهنگی این قبیل همکاری ها باز است. مسئله اینست که شما در این امر از دیگران عقب نمانید یا که حتی بکوشید تا قدری هم جلو بیفتید.» و برای آنکه نشان داده شود که حرفهای شاه پشتوانه دارد در همان روز ورود کیزینگر قرارداد یك وام بمبلغ ۸۰۰ میلیون ریال بین سازمان برنامه و آلمان غربی به امضا رسید و دولت ایران تقاضا کرد آلمان غربی تا مبلغ ۸۴۰ میلیون مارك در اجرای برنامه پنجساله چهارم سرمایه گذاری کند. این مبلغ معادل ۴۵ در صد کل سرمایه گذاریهای خارجی در برنامه چهارم است. با توجه برقبای امپریالیست دیگری که وجود دارند، رشوه از این بیشتر نمیشود.

شاه ضمناً در همان مصاحبه گفته است: «هیچیك از ما از دیگری شکایت نداشته‌ایم. ما از شما زیان ندیده‌ایم و شما نیز از ما زیان ندیده‌اید. و در نتیجه منافعمان ما همیشه متقابلا ثمر بخش بوده است.» این حرف درست است اگر بجای «ما» طبقات حاکمه ایران و بجای «شما» انحصار گران آلمان غربی را بگذاریم. هردو شرایط غلوت را برای هم فراهم میکنند. غارت مردم ایران و منابع ثروت آنها. ولی اگر اینطور است آنوقت دیگر آن «سیاست مستقل ملی» که گویا هدفش تأمین استقلال و پیشرفت اقتصادی و رفاه مردم ایران است حرفی تو خالی و ادعائی بی‌پایه از آب درمیآید. زیرا غیرممکن است بتوان «پولسازی» سرمایه داران بیگانه را با منافع میهن و مردم ما یکسی دانست.

تلاش برای تشدید یك سیاست تجاوزکارانه

خصلت تجاوزکارانه امپریالیسم همیشه در امپریالیسم آلمان بر جنگی خاصی داشته است. دو جنگ جهانی که از خاك آلمان برخاست تأییدی است بر این واقعیت. اینك امپریالیسم آلمان که از دو شکست و بویژه سقوط تازیسم، محصول شوم خود، درس عبرت نگرفته، دوباره در وجود جمهوری فدرال آلمان سر بلند کرده است و بهمان سیاست تجاوزکارانه خود ادامه میدهد. آلمان غربی با ادعای نمایندگی تمام ملت آلمان، که معنی اش تلاش برای از بین بردن جمهوری دمکراتیك آلمان است، با ادعای ارضی از لهستان، چکوسلواکی و اتحاد شوروی، با تلاش برای بدست آوردن سلاح اتمی، با ایفای نقش مهم در پیمان تجاوزکارانه «ناتو»، با تحریك و توطئه بر ضد کشور های سوسیالیستی در اروپای شرقی به بزرگترین خطر برای صلح در اروپا مبدل شده است. آلمان غربی با پشتیبانی کامل از سیاست تجاوزکارانه امپریالیسم امریکا در صحنه جهانی، از جمله در ویتنام، پس از امریکا عمده ترین نیروی ارتجاعی در سراسر جهان است. امپریالیستهای آلمان غربی که هنوز خواب «آلمان بزرگ» را می بینند، مطمئن ترین و قوی ترین دستیار امپریالیسم امریکا بر ضد صلح جهانی و آزادی و استقلال ملتها هستند.

هدف عمده سیاسی سفر کیزینگر، بلافاصله پس از حوادث چکوسلواکی، به سه کشور هم مرز اتحاد شوروی، یوزیه ایران و ترکیه که عضویتهای نظامی امپریالیستی هستند، برای آن بود که دوباره افسانه «تهدید شوروی» را برای زمامداران این کشور ها تکرار کند و آنها را که تحت فشار واقعیات و قبل از همه بعلت سیاست صلحجویانه و مبتنی بر احترام به استقلال و تساوی حقوق ملتهای اتحاد شوروی، گام هائی در راه بهبود روابط خود با اتحاد شوروی برداشته‌اند، دوباره به سیاست جنگ سرد و سیاست تقویت بلوك بندیهای نظامی امپریالیستی بر ضد اتحاد شوروی و سایر کشور های سوسیالیستی بکشاند.

از مذاکرات سیاسی بین کیزینگر و شاه و نخست وزیر مطلبی فاش نشده است. ولی وقتی «اطلاعات» از روزنامه «پراودا» (که سفر کیزینگر را یك «مأموریت بد خواهانه» نامیده) گله میکند، وقتی بقول اطلاعات «محافل نزدیك روابط ایران و آلمان نتایج مسافرت صدر اعظم آلمان را «مثبت» و «ثمر بخش» ذکر کردند.» در حالیکه همه میدانند دو دولت آلمان وجود دارد، که یکی از آنها در وجود جمهوری دمکراتیك آلمان، نخستین دولت سوسیالیستی ملت آلمان است، و با اینهمه در اعلامیه رسمی همه جا فقط از «آلمان» صحبت میشود، آنوقت میتوان دریافت که آن سیاست تجاوزکارانه‌ای که از طرف آلمان غربی دنبال میشود مورد تأیید دولت ایران است، و همه اینها را هم باز ناشی از «سیاست مستقل ملی» میدانند.

ولی نیتوان درجنگ سرد آلمان غربی بر ضد اتحاد شوروی و سایر کشور های سوسیالیستی شرکت کرد، جمهوری دمکراتیك آلمان را نادیده گرفت و کانون جنگ و تجاوز در اروپا یعنی آلمان غربی را «دوست» خواند و باز هم دم از «سیاست مستقل ملی» زد. این سیاستی است ضدملی و ماجرا جویانه. سیاستی است که نه تنها بزیان عالیترین مصالح ملت ایران است، بلکه دود آن چشم طراحان و مجریان آن نیز خواهد رفت.

دنباله در صفحه ۴

دنباله از صفحه ۱

اعلامیه جلسات گروه کار و کمیسیون تدارك حزب کمونیست اکوادر، حزب پیشاهنگ سوسیالیستی الجزیره، حزب کمونیست ایالات متحده امریکا، حزب کمونیست ایتالیا، حزب کمونیست اوروگوئه، حزب توده ایران، حزب کارگر ایرلند، حزب کمونیست ایرلند شمالی، حزب کمونیست برزیل، حزب سوسیالیست متحده برلن غربی، حزب کمونیست بریتانیای کبیر، حزب کمونیست بلژیك، حزب کمونیست بلغارستان، حزب کمونیست بولیوی، حزب کمونیست پاراگوئه، حزب کمونیست پرو، حزب کمونیست ترکیه، حزب کمونیست تونس، حزب کمونیست چکوسلواکی، حزب کمونیست دانمارك، حزب کمونیست رئونیون، حزب کمونیست رومانی، حزب کمونیست سالوادور، حزب کمونیست سان مارینو، حزب کار سوئیس، حزب کمونیست سودان، حزب کمونیست سوریه، حزب کمونیست شیلی، حزب کمونیست عراق، حزب کمونیست فرانسه، حزب کمونیست فنلاند، حزب ترقیخواه توده زحمتکش قبرس، حزب پیشاهنگ توده کستاریکا، حزب کمونیست کلمبیا، حزب کار گواتمالا، حزب کمونیست گوادلوپ، حزب کمونیست لبنان، حزب کمونیست لوگزامبورگ، حزب متحد کارگری لهستان، حزب کمونیست مارتینیك، حزب سوسیالیست کارگری مجارستان، حزب آزادی و سوسیالیم (مراکش)، حزب انقلابی توده مغولستان، حزب کمونیست مکزیك، حزب کمونیست وزوئلا، حزب وحدت توده‌ای هائیتی، حزب کمونیست هندوراس، حزب کمونیست هندوستان، حزب کمونیست یونان.

عده‌ای از احزاب که نماینده گان آنها بعلل مختلف نتوانسته بودند به جلسه بیایند برای کمیسیون تدارك نامه فرستاده بودند.

کمیسیون تدارك گزارش اطلاعی مربوط به جریان کار تدارك جلسه مشاوره احزاب کمونیست و کارگری را استماع کرد و آنرا تأیید نمود. پیرامون مسائل مربوط به جلسه مشاوره جهانی احزاب کمونیست و کارگری بحث و مذاکره صورت گرفت. شرکت کننده گان در جلسات کمیسیون تدارك ضرورت تشکیل جلسه مشاوره جهانی را بمنظور بررسی وظائف مبارزه علیه امپریالیسم در مرحله کنونی و در راه تأمین وحدت عمل احزاب کمونیست و کارگری و تمام نیرو های ضد امپریالیستی باتفاق آراء تأیید کردند.

شرکت کننده گان در جلسات کمیسیون تدارك بررسی مجدد مسئله تاریخ تشکیل جلسه مشاوره جهانی را مطلوب شمردند و تصمیم گرفتند در باره این مسئله با کمیته‌های مرکزی احزاب خود مشورت کنند.

شرکت کننده گان در جلسات کمیسیون تدارك قرار گذاشتند که جلسه بعدی کمیسیون تدارك را در روز ۱۷ نوامبر سال جاری در بودابست تشکیل دهند و در آن در باره مسئله تاریخ تشکیل جلسه مشاوره و نحوه تدارك بعدی آن مذاکره کنند.

جلسات گروه کار و کمیسیون تدارك در محیط تبادل نظر آزاد رفیقانه صورت گرفت و بار دیگر تمایل احزاب برادر را به توسعه بیش از پیش همکاری بر بنیاد مارکسیسم لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری نشان داد.

بودابست، اول اکتبر سال ۱۹۶۸

دو اعلامیه

اخیراً تشکیلات تهران و تشکیلات خوزستان حزب توده ایران در تأیید اقدام پنج کشور عضو پیمان ورشو اعلامیه هائی منتشر نموده اند که خلاصه ای از آنها را برای اطلاع خوانندگان مردم نقل میکنیم :

در اعلامیه تشکیلات تهران چنین میخوانیم :

امپریالیستهای امریکائی که سردمدار سرکوب نهضتهای آزادیخواهانه در جهانند ، با این احساس که کودتای یك عارضهٔ موقتی است و در دوران آرامش میتوان این عارضه را بطریق رخنه گری و ایجاد دسته در بین برد ، مدتها قبل سنگر آزمایش خود را در اروپای شرقی گسترده اند و کوشش میکنند که از روحیه انحرافی برخی جوانان که در قالب اجتماعی هر یك از کشورها وجود دارد استفاده کرده و راه باز گشت به قلمرو گذشته را برای آنها باز گشایند . با نفوذ عوامل « سیا » و « انتلیجنت سرویس » در قلمرو کشور سوسیالیستی چکوسلواکی مرز های آن کشور حریم امنیت خود را از دست داد . . . تشکیلات تهران حزب توده ایران اقدام مثبت اتحاد جماهیر شوروی و کشور های سوسیالیستی عضو پیمان ورشو را در واقعه چکوسلواکی مورد بررسی و ارزیابی منطقی قرار داده و مورد تأیید همه جانبه قرار میدهد و آنرا اقدامی درست ، برحق و عادلانه میداند که حفظ و تحکیم دستاورد های سوسیالیستی را در چکوسلواکی امکان پذیر ساخت .

تشکیلات خوزستان نیز در اعلامیه منتشره چنین میگوید :

« . . . امپریالیستهای امریکائی و انگلیسی بدستیاری انتقامجویان و بازماندگان فاشیست های هیتلری با نفوذ در برخی از جوانان گمراه و آلوده شده و عده ای از ضدانقلابیون چکوسلواکی کوشش داشتند که راه رشد و توسعه سوسیالیسم را سد کرده و زیر لوای بازگشت به دموکراسی ، چکوسلواکی را از چرخ خانواده سوسیالیستی جدا سازند . . . جالب اینجاست که امپریالیستهای امریکائی که در ویتنام مدارس و بیمارستانها را بمباران میکنند و مزارع و کشتزار ها را با پمپ نابالم از تولید و کشت بی بهره میسازند و آنها که در دومینیکن و در خاورمیانه با توطئه مستقیم و یا با کمك ایادی ، آثار زندگی را میزدایند ، در ایران کودتای ۲۸ مرداد راه میاندازند ، در یونان مشتی سرهنگ آدمکش را بر جان و مال و ناموس مردم مسلط میگردانند در امریکا آزادیخواهان وسیاهان را به شلاق و گلوله می بندند حال به تله در آمده و سعی در تقبیح عمل شوروی و اعضای پیمان ورشو دارند غافل از اینکه همین تبلیغات امپریالیستی خود دلیل بر حقانیت و اثبات عمل اتحاد شوروی است .

تشکیلات خوزستان حزب توده ایران عمیقاً اعتقاد دارد که اقدام شوروی و سایر اعضای پیمان ورشو در واقعه چکوسلواکی که بدون خونریزی و در جهت روشن کردن و ارشاد خلق برادر انجام گرفته است عملی منطقی و در جهت حفظ و تحکیم دموکراسی و سوسیالیسم در چکوسلواکی و کاملاً عادلانه و برحق بوده است . ما اعتقاد داریم که نبایستی به نیرو های ضد انقلابی امکان داد که در اردوگاه سوسیالیسم رخنه کرده و موجبات تفرقه و جدائی را فراهم آورند .

از ادعا تا واقعیت

درباره مبارزه با بیسوادی در ایران

روز اول مهر زنگهای مدارس بصدا در آمد ولی مانند سالهای پیش دهها هزار کودك ایرانی همچنان پشت در مدارس ماندند . هزاران کودك ایرانی بعلت نبودن مدرسه و بسیاری دیگر بعلت نبودن جا و لزوم پرداخت شهریه های سنگین نتوانستند با مدرسه بگذارند .

اشرف پهلوی اخیراً در دومین اجلاسیه کمیته مشورتی بین المللی پیکار با بیسوادی از اقدامات وسیعی که در ایران بهمریزی شاه برای مبارزه با بیسوادی صورت میگیرد یاد کرده است . وی در سخنرانی خود میگوید :

ایران برچم جهانی مبارزه با بیسوادی را در دست گرفته است . ایران پیشقدم است پیشقراول است . ایران حاضر است تجربیات خود را در مبارزه با بیسوادی در اختیار جهانیان قرار دهد. اشرف پهلوی در سخنرانی خود برای ۷۰۰ میلیون مردم جهان که در بیسوادی مطلق مانده اند و کسی بفکر آنها نیست گریسته است . او خطاب بشرکت کنندگان در دومین اجلاسیه کمیته مشورتی بین المللی پیکار با بیسوادی میگوید ایران حاضر است کادر های خود را برای مبارزه بین المللی با بیسوادی تجهیز کند . باید پرسید که اشرف پهلوی سخنگوی کدام کشور است ؟

به آمار زیر که از شماره های ۲۰ خرداد ۱۳٤٦ و پنجم فروردین ۱۳٤۷ روزنامه اطلاعات گرفته شده است توجه فرمائید اطلاعات مینویسد در نتیجه سرشماری آبانماه ۱۳٤۵ روشن شد از ۲۵ میلیون و ۷۸ هزار و ۹۲۳ نفر جمعیت ایران ۱۸ میلیون و ۸۷۷ هزار و ۷۰۰ نفر آنها را افراد هفتسال بالا تشکیل میدهند . از این عدد فقط پنج میلیون و ٦۰۱ هزار و ۷۰۰ نفر سواد دارند ۱۲٦۹۳٦۰۰ نفر بیسوادند وعده ای نیز فقط میتوانند بخوانند . بر اساس آمار سرشماری سال ۱۳٤۵ فقط ۲۹٫٤ در صد افراد از هفتسال بالا در ایران سوادخواندن و نوشتن دارند و بقیه یعنی هنوز بیش از ۷۰ در صد در بیسوادی مطلق بسر میبرند . در همین آمار میخوانیم که نسبت تحصیلی برای سنین بالین یعنی از هفت تا یازده سال در تمام کشور ٤۹٫٦ در صد است و باین ترتیب هنوز ۵۰ در صد اطفال واجب التعلیم بمدرسه نمیروند . وضع کودکانی که بمدرسه رفته اند چگونه است؟ کیهان نوشته است ما بهشت هزار مدرسه و ۷۰ هزار آموزگار در رشته های مختلف نیازمندیم .

اکثر مدارس ابتدائی و متوسطه معلم ندارند . در بعضی از کلاسهای درس بیش از ۱۰۰ تا ۱۵۰ شاگرد را مانند قوطی ساردین کنار هم چیدمانند آموزگاران مدارس که از لحاظ قانونی باید فقط ۲۰ تا ۲۲ ساعت در هفته تدریس کنند اغلب مجبورند ٤۸ تا ۵۰ ساعت در هفته کار کنند . در اینجا در بارهٔ کتابهای درسی و سیستم کهنه آموزش و پرورش راه و روشهای نادرست تعلیم و تربیت ، سوء استفاده های کلانی که صورت میگیرد و بهدر دادن عمر گرانبهای جوانان سخنی نمیگوئیم . صحبت بر سر دعاوی سران رژیم در مبارزه با بیسوادی و نشان دادن سیمای رژیمی است که خود را برچمدار این پیکار میخواند .

در سالهای اخیر بعضت گروهی از جوانان ما در روستا های دور و نزدیك کشور تلاشی قابل توجه برای مبارزه با بیسوادی صورت میگیرد . ولی با در نظر گرفتن سیاه عظیم بیسوادان ، رشد ۲٫۵ در صد جمعیت کشور در سال ، نبودن وسائل آموزشی و پرورشی برای تمام کودکان لازم التعلیم ، عقب ماندگی روستا ها ، نداشتن وسیله وحتی سر پناهی برای تعلیم کودکان و بزرگسالان کوشش این جوانان بجائی نمیرسد . گردانندگان سیاه دانش ادعا میکنند که تا کنون بهمت جوانان بیش از دو میلیون نفر با سواد شده اند! اگر این رقم درست هم باشد نمیتواند افتخار آمیز باشد چرا که بر اساس آمار سرشماری سال ۱۳٤۵ ۷۰ در صد بزرگسالان در کشور ما بیسوادند . هر سال نیم میلیون نفر به جمعیت کشور افزوده میشود و هر سال بیش از ۵۰ در صد کودکان لازم التعلیم پشت در مدارس میمانند . این واقعیت نشان میدهد که سیاه دانش علیرغم کوشش جوانان آن قادر نیست این معضل بزرگ اجتماعی را از میان بردارد .

موضوع مهم دیگر یک تفکر آن ضروریست معلومات که دانش آموزان سیاه دانش کسب میکنند . این معلومات در سطح قازی و بیمار انداك است . تجربه نشان داده است که در مدت ۱٤ ماه بدون وجود شرایط لازم و وسیلهٔ کافی نمیتوان خواندن و نوشتن آموخت . تازه اکثر کار شناسان فرهنگی ایران اعتراف کرده اند که سیاهان دانش بقول گونا گون در مدت ۱٤ ماه اقامت خود در دهات جز چند ماه تعلیم بیسوادان نمیبرداز ند و بر فرض که دانش آموزی ۱٤ ماه در آن دهات وقتی وسیله ادامه تحصیل برای او در ده وجود ندارد چه بهره ای از سواد جزئی ، ناقص و سطحی خود بر میگیرد ؟

کشور ما با حرف برچمدار مبارزه با بیسوادی است . با حرف قهرمان اصلاحات ارضی است با حرف ما از اروپا پیش افتاده ایم و با حرف گردانندگان رژیم برای هر یك از مردم کشور ما کاخی از عاج ساخته اند .

حزب توده ایران پیوسته مدعی بوده است که رستاخیز فرهنگی و آموزشی ایران تنها میتواند محصول انقلاب اجتماعی و اقتصادی و سیاسی کشور باشد . تا چنین نشود گفتگو و رستاخیز فرهنگی و آموزشی گفتگو و گویش عبث ، دروغ و عوامفریبانه !

ا . فروزان

پخش تراکت در تهران

تشکیلات تهران حزب توده ایران بمناسبت جشن مهرگان و تصادف آن با بیست و هفتمین سالگرد تأسیس حزب توده ایران تراکت هائی حاوی ، خجسته باد بیست و هفتمین سال تأسیس حزب توده ایران، مهرگان فرخنده باد ، حزب توده ایران مبارز باد آزادی و استقلال در تهران پخش نموده اند . این تراکتها حاوی شعار های دیگری از قبیل درود به ایرانی و روزبه و همه شهدای حزب توده ایران ، درود به زندانیان سیاسی، درود به پرویز حکمت جو، علی خاوری ، صابر محمدزاده و آصف رزم دیده، ما آزادی زندانیان سیاسی را خواستاریم، حزب توده ایران در ذغال نابذیر مبارزهٔ ضد استبداد و ضد استعمار بوده اند .

دنباله از صفحه ۲

شعله جنوب منتشر شد

ایران بمناسبت تشکیل کنفرانس حقوق بشر در تهران ازمطالب دیگر شماره اخیر « شعله جنوب » است .

در مقاله ای با عنوان « مرغ دزدان به لاشخوری وسیدند » ، آشفتگی های سازمان تربیت بدنی و دزدیدی و سوء استفاده های گردانندگان این سازمان که پیوسته زیر نظرشاه عمل کرده اند تشریح شده است .

اخبار مربوط به زندگی کارگران در شهر های جنوبی ایران و نیز مقاله ای درباره خلیج فارس از مطالب دیگر این شماره از « شعله جنوب » است . موفقیت رفقای رزمنده خود را در پیکار علیه امپریالیسم و ارتجاع و بخاطر سعادت خلقهای ایران آرزو میکنیم .

دنباله از صفحه ۳

امپریالیسم آلمان غربی

سفر کیزینگر به ایران و نتایج سیاسی و اقتصادی آن هشدار جدیدی به محافل ملی و مترقی ایران است تا با مبارزه متحد خود دولت ایران را از تشدید وابستگی به امپریالیسم تجاوزکار آلمان غربی بازدارند و به برسیت شناختن جمهوری دمکراتیك آلمان وادار سازند .

م . انوشه

تغییر آدرس رادیو پیك ایران

هموطنان عزیز ! رفقای حزبی !

به این آدرس در استکهلم (سوئد) با رادیو پیك ایران ، ماهنامه مردم ، مجله دنیا و مجله مسائل بین المللی مکاتبه کنید . نظریات ، انتقادات و پیشنهاد های خود را برای بهبود رادیو و مطبوعات و مجموعه فعالیت ما ارسال دارید .

P. B. 49034
10028 Stockholm 49
Sweden

پیروزی بزرگ ملت قهرمان و ویتنام

سرانجام نبرد قهرمانانهٔ مردم ویتنام و فشار نیروهای صلحدوست در سراسر جهان و از جمله در امریکا به آنجا رسید که جونسون رئیس جمهوری امریکا مجبور شد به پیشنهاد قطع بمباران ویتنام شمالی و قبول نمایندگان جبههٔ آزادیبخش ملی ویتنام برسر میز مذاکرات صلح تن در دهد. بموجب فرمانی که روز جمعه اول نوامبر صادر کردند در ساعت ۲ بعد از ظهر روز جمعه بمباران ویتنام شمالی قطع شد و از روز چهارشنبه ۶ نوامبر مذاکرات صلح باشرکت گن نمایندگان جمهوری دموکراتیک ویتنام شمالی، نمایندگان جبههٔ آزادیبخش ملی ویتنام، نمایندگان دولت ویتنام جنوبی و نمایندگان امریکا، در پاریس آغاز میشود.

این عقب نشینی امریکا را باید قبل از هر چیز پیروزی بزرگ ملت قهرمان ویتنام، اردوگاه سوسیالیسم، جنبش آزادیبخش ملی ویتنام جنوبی و جنبش صلح و ترقی در سراسر جهان و از جمله جنبش مترقی امریکا دانست، که با مبارزه خستگی ناپذیر خود، امپریالیسم تجاوزکار را یک گام دیگر به عقب راندند.

جنگ ویتنام که وحشیانه ترین جنگ تاریخ بشری نام گرفته است از یکسو نشان میدهد، وقتی ملتی مصمم به دفاع از استقلال و حاکمیت خویش است، هیچ جنگ تجاوزکارانه و هیچ نیروی قهریه ای قادر به شکست او نیست و از سوی دیگر پرده از سیمای وحشی امپریالیسم در مبارزه با خلقهای آزادی دوست برمیگیرد. امپریالیسم امریکا تا کنون از ارتکاب هیچ جنایتی علیه خلق زجرکش وصلحدوست ویتنام خودداری نکرده است: از جنگهای مهاجرت دلاوری به دولت های دست نشانده ویتنام جنوبی برای سرکوب نهضت استقلال طلبانه مردم ویتنام، ارسال سیل مدرنترین سلاحهای جنگی، اعزام ارتش ۵۰۰ هزار نفری، ریختن هزارها تن بمب بر سر مردم بیدفاع، تخریب و نابودی شهرها و دهات، اعمال وحشیانه ترین شکنجه ها علیه افرادارتش آزادیبخش ومردم غیر نظامی همه و همه به بارزترین نحو، سیمای جنایتکار امپریالیسم امریکا را نشان میدهد. اما علیرغم همه این اقدامات تجاوزکارانه استراتژی امریکا در جنوب شرقی آسیا که باصطلاح برای «جلو گیری از کمونیسم» طرح ریزی شده پس از صرف میلیارد ها دلار دچار مفتضح ترین شکست ها شده است. ویتنام قهرمان، امروز جاذب تر از همیشه، مثل استمار زده سراسر جهان و از جمله ملل جنوب شرقی آسیا را به مبارزه با امپریالیسم و استقرار نظام عادلانه سوسیالیسم فرامیخواند.

شك نیست که این پیروزی ملت قهرمان ویتنام، دیر یا زود پیروزیهای دیگری نیز بدنبال خواهد داشت. امپریالیسم امریکا ناگزیر باید تمام عملیات جنگی را علیه مردم ویتنام موقوف سازد و ارتش خود را از ویتنام جنوبی خارج کند و ملت ویتنام را در تعیین سرنوشت خود آزاد گذارد. ما پیروزی خلق ویتنام را به مردم ویتنام و همه ترقیخواهان و صلحدوستان جهان تبریك میگوئیم و آرزومند پیروزیهای نوین برای این ملت قهرمان هستیم. ما بار دیگر همبستگی خود را با پیکار عادلانه خلق ویتنام اعلام میداریم و از همه میهن پرستان و ترقی خواهان ایران می طلبیم که همگام و همصدا با پشریت مترقی پشتیبانی خود را از خلق ویتنام تشدید کنند.

دنباله از صفحه ۱

نامه تبریك بمناسبت انقلاب کبیر اکتبر

اتحاد شوروی در نظر جامعه ترقیخواه بشری مدافع نیرومند صلح، دموکراسی وسوسیالیسم است. اتحاد شوروی با قاطعیت و پیگیری علیه تجاوز امپریالیسم و در راه امنیت و صلح در سراسر جهان مبارزه میکند.

کمك های گرانبهای اتحاد شوروی بمردم قهرمان ویتنام علیه تجاوز امپریالیسم امریکا، اقدامات قاطعی که اتحاد شوروی همراه با سایر کشور های سوسیالیستی برای دفاع از دستاورد های سوسیالیستی مردم چکوسلواکی در قبال دسائس ضد انقلاب و امپریالیسم بین المللی بعمل آورده، سیاست پیگیر اتحاد شوروی در پشتیبانی از مبارزه مردم کشور های عربی علیه تجاوز اسرائیل و حامیان امپریالیست آن، دفاع قاطع و کمك های مشخص اتحاد شوروی به جنبش های آزادیبخش ملی در سراسر جهان بارزترین نمودار وفاداری حزب کمونیست و دولت اتحاد شوروی به اصول مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری است.

مساعی خستگی ناپذیری که حزب کمونیست و دولت اتحاد شوروی در راه تحکیم و حفظ وحدت اردوگاه جهانی سوسیالیستی و جنبش کمونیستی و کارگری بخاطر پیروزی مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری بعمل میآورد مورد تأیید و پشتیبانی کامل حزب توده ایران است.

مردم ایران اتحاد شوروی را دوست، پشتیبان و متحد صدیق خود در مبارزه برای تأمین استقلال و ترقی اجتماعی میهن خویش میشمارند.

حزب توده ایران مبارزه در راه بهبود هرچه بیشتر مناسبات ایران و اتحاد شوروی را با وظائف ملی و انترناسیونالیستی خویش هماهنگ میداند.

اتحاد شوروی - آفریده انقلاب کبیر اکتبر بزرگترین تکیه گاه جهانی مبارزه علیه امپریالیسم و حزب کمونیست اتحاد شوروی، حزب لنین بزرگ پرچمدار مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری است.

رفقای عزیز! در سالروز خجسته انقلاب اکتبر - جشن بزرگ طبقه کارگر و زحمتکشان سراسر جهان، کامیابیهای هرچه بیشتر شما را در مبارزه پر ارج تان برای تحقق بهترین آرمانهای جامعه ترقیخواه بشری در مبارزه بخاطر ساختمان کمونیسم صمیمانه آرزومندیم.

فرخنده باد جشن پنجاه و یکمین سال انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر!

زنده باد مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری!

استوار باد دوستی وهمبستگی پرولتری میان حزب توده ایران و حزب کمونیست اتحاد شوروی!

کمیته مرکزی حزب توده ایران

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

بمناسبت کشتار های اخیر کردستان

کمیته مرکزی حزب توده ایران باین اعمال وحشیانه آشکارا و ضد ملی و ضد دمکراتیك مقامات حاکمه ایران شدیداً اعتراض میکند و از همه احزاب و گروه و شخصیتهای ملی و دمکراتیك دعوت میکند بهر وسیله ای که اختیار دارند باعمال وحشیانه مزبور اعتراض کنند. مجازات مسئولین امر و آزادی همه زندانیان سیاسی را که در زندانهای ایران در زیر شکنجه های گوناگون وسطانی با مرگ دست بگریبانند و بویژه کشتار اخیر همه کسانی را که اکنون در زندانهای کردستان وآذربایجان درانتظار سرنوشت شومنشسته اند طلب نماید.

کمیته مرکزی حزب توده ایران
آبان ۱۳۴۷

طبق اخبار موثق که از مجاری مختلف به دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران رسیده است رژیم ضد ملی و ضد دمکراتیك حاکم در کشور ما به جنس و زجر و شکنجه و اعدامهای فردی و دسته جمعی تازه و وسیعی در سراسر کردستان دست زده است. تنها در یکی دو ماه اخیر علاوه بر کشتار های سابق که در خبر دیگر از هموطنان کرد مسائل مشروح ذیل از طرف مقامات حاکمه ایران بقتل رسیده اند:

۱ -	ملا قادر لاجین	در مهاباد	بدار آویخته شد
۲ -	علی رحیمی	در خانه	تیر باران شد
۳ -	احمد مجید	در مهاباد	بدار آویخته شد
۴ -	محمد رسول	در خانه	بدار آویخته شد
۵ -	سین چل ذوج	در چاه‌بیل	تیر باران شد
۶ -	حمزه مولود	در اشنویه	بدار آویخته شد
۷ -	یوسف حمزه	در خانه	تیر باران شد
۸ -	ملا حسن	در مهاباد	بدار آویخته شد
۹ -	ملا عبدالله	در مهاباد	بدار آویخته شد
۱۰ -	ملا آوار	در مهاباد	بدار آویخته شد

بلاوه هم اکنون عده زیادی از برادران کرد و آذربایجانی ما در شهر های تبریز، رضائیه، مهاباد، اشنویه، نقده، و کاوی، منکور، لاهیجان، بیرانشهر دستگیر شده و در انتظار سرنوشت شومی هستند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران باین اعمال وحشیانه آشکارا و ضد ملی و ضد دمکراتیك مقامات حاکمه ایران شدیداً اعتراض میکند و از همه احزاب و گروه و شخصیتهای ملی و دمکراتیك دعوت میکند بهر وسیله ای که اختیار دارند باعمال وحشیانه مزبور اعتراض کنند. مجازات مسئولین امر و آزادی همه زندانیان سیاسی را که در زندانهای ایران در زیر شکنجه های گوناگون وسطانی با مرگ دست بگریبانند و بویژه کشتار اخیر همه کسانی را که اکنون در زندانهای کردستان وآذربایجان درانتظار سرنوشت شومنشسته اند طلب نماید.

کمیته مرکزی حزب توده ایران
آبان ۱۳۴۷

قطعنامه هیئت اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

در باره فعالیت بین المللی حزب

جلسه هیئت اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده ایران که از ۲۶ تا ۳۱ اکتبر ۱۹۶۸ تشکیل بود، پس از استماع گزارش هیئت دبیران در باره حوادث چکوسلواکی و موضع کیری حزب ما، تعلیقه زیر را اتخاذ کرد. اصحوب اعوه. این گزارش در شماره آینده «مردم» برای اطلاع عموم رفقای گرامی انتشار خواهد یافت.

هیئت اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده ایران گزارش هیئت دبیران را درباره موضع حزب توده ایران در حوادث چکوسلواکی، در باره جلسه تدارکی کنفرانس احزاب کمونیستی و کارگری دوره مطالعه و مباحثه قرار داد.

هیئت اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده ایران گزارش مزبور را مورد تأیید کامل قرار داده به هیئت دبیران مأموریت میدهد که این گزارش را منتشر سازد.

هیئت اجرائیه با خرسندی اعلام یافت که موضعگیری هیئت دبیران و اعلامیه های کمیته مرکزی در دوم دوم و هفتم شهریور ماه ۱۳۴۷ از طرف سازمانهای حزبی مورد تأیید قرارگرفته است این امر حاکی از رشد آگاهی مبارزاتی و ایمان انترناسیونالیستی اعضاء حزب ماست.

هیئت اجرائیه به هیئت دبیران مأموریت میدهد که باقدامات خود در جهت تعمیم و توضیح بالا هم دیگر موضع حزب ادامه دهد.

هیئت اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده ایران صمیمانه امیدوار است که هر چه زودتر موجبات عادی شدن اوضاع چکوسلواکی فراهم آید و حزب برادر کمونیست چکوسلواکی بتواند بر مشکلات موجود در جهت تحکیم رهبری طبقه کارگر وحزب آن فائق آید.

هیئت اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده ایران معتقد است که هم نیروهائی که تصمیم هر چه بیشتر لودرگه سوسیالیستی شرط ضروری موفقیت کلیه نیروهای مترقی جهان و از جمله نیروهای پیشرو کشور ما در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع است.

هیئت اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده ایران موضع هیئت نمایندگی حزب ما را در کمیسیون تدارکی کنفرانس بین المللی احزاب کمونیستی و کارگری که از ۲۷ سپتامبر تا اول اکتبر ۱۹۶۸ در بوداپست منعقد بود و همچنین تصمیماتی را که طرفین جلسات تدارکی تصمیم گرفته است مورد تأیید قرار میدهد.

هیئت اجرائیه به هیئت دبیران اختیار میدهد که در جلسه آینده کمیسیون تدارکی - ۱۸ نوامبر - شرکت نموده از تشکیل هر چه سریعتر کنفرانس احزاب کمونیستی و کارگری پشتیبانی نماید.

حزب توده ایران تشکیل کنفرانس بین المللی احزاب کمونیستی و کارگری را بویژه در اوضاع و احوال کنونی وسیله نیرومندی برای تحکیم وحدت و همبستگی اهتزت جهانی کمونیستی و پیشرفت مبارزه کلیه نیروهای ضدامپریالیستی درمیدان جهانی میداند.

دنباله از صفحه ۶

بدون تفسیر

۳) اظهار نظر روزنامه «توفان» در باره روزنامه «توفان» پس از اخراج گروه سه نفری از «سازمان انقلابی حزب توده ایران در خارج از کشور» و پیوستن این گروه به روزنامه «توفان»

«... روزنامه توفان نتوانست مشی روشن و بی تزلزلی تعقیب کند. دچارتوسان شدیدی بود و در عوض اینکه با دادن شعارها و ارائه خط مشی مارکسیستی - لنینیستی در صدد جلب مارکسیست - لنینیست ها و سایر انقلابیون ایران باشد به اعلام شعارهای عام دموکراتیك اکتفا میکرد... با وجود مبارزات درونی نسبتاً شدید هنوز فاقد مبنای ایدئولوژیك و سیاسی مارکسیستی - لنینیستی بود و باتجار بتضاد های بیماری دچار میآمد... تضاد برای انتخاب دو راهی که آیا توفان بشیوه متزلزل گذشته خویش ادامه دهد و یا صریحاً خط مشی مارکسیستی - لنینیستی انتخاب کند... شدت بیابنه ای یافت. نوسانائی که از شماره ۱۸ تا ۲۲ دوره دوم توفان درمطالب آن بدنبال شدهاکی از این بود که کناهی باك طرف تضاد و کاهی طرف دیگر تعیین کننده راه میگردید... عناصری که از موضع گیری های انقلابی توفان خرسند نبودند کوشش میکردند گروه توفان را از داخل پرا کنده سازند. تعطیل توفان و نفاق امکنی در داخل گروه نتایجی بود که از این فعالیتهای انحلالگرانه بدست آمد.»

(از «توفان» شماره ۲۲ دوره سوم مرداد ۱۳۴۷)

بدون تفسیر

۱) «انقلابیون توده» در باره «مارکیست - لنینیست های توفان»

اظهار نظر «سازمان انقلابی حزب توده ایران در خارج از کشور» در باره انشعابگران از کمیته مرکزی حزب توده ایران و خرابکاریهای آنها از این «سازمان»:

«... آنها در حقیقت از آغاز و باینطرف آمدند که کاسبکارانی طماعند و بوی کاسبی تازه ای بمشامشان رسیده است. قصد آنها این بود که سازمان ما را به دکانی تازه تبدیل کنند، جهت انقلابی آنرا منحرف نمایند و آنرا از هم بپاشند... آنها از این فرصت نیز که سازمان در اختیارشان گذاشته بود استفاده نکردند بلکه شروع یك سلسله اقدامات خرابکارانه نمودند.»

در اظهار نظر «سازمان انقلابی» صفات و مختصات زیر برای این گروه بر شمرده شده است، کسانیکه «ماسك» به چهره خود زده اند و حرفهای «ظاهر فریب» میزنند... «بقدری با کثافت» آلوده شده اند که «آب دریا» نیز نمیتواند تمیزشان سازد»... دارای «اشتباهات تئوریك» و «اپورتونیسم» هستند و اینها «از یك موضع ایدئولوژیکی نادرست و غیر پرولتری سرچشمه میگیرد.»

... دارای «ترهای «سراپا رویزیونیستی» هستند «فقط کلمات اینها غوامفریبانه تر و پر پیچ و خم تر است»... «عوامفریبی میکنند» «مقام رهبری را دستی چسبیده اند و خیال ندارند آنرا از دست بگذارند»...

عقیده آنها «فقط میتواند ناشی از روحیه بوروکراتیك، دیدمان منشی و نشناختن خط مشی توده ای باشد»... «نمیاندند کان طرز تفکر کهنه ای هستند که سرنوشت نهضت را به اینجا کشانده اند، با اینکه اکنون تظاهر به «نو» بودن و طرفداری از نو میکنند جامد و کهنه و متحجرند»...

کارشان «جز تقلید و کپی برداری نیست.»

... دارای «سلیقه اپورتونیستی و رویزیونیستی» هستند... «همه اشتباهاتی را که خود کرده اند... حاشا میکنند»... «از همان آغاز شروع به خیانتکاری در کار سازمان نمودند. در آغاز میخواستند یك خط مشی هوچیگرانه و کاسبی منش را به توده تحمیل کنند. آنرا به بهانه «مبارزه با رویزیونیسم» از مبارزه با رویزیونیسم بازدارند.»... «مانند یك «خرده بورژوا» از «انتقاد از خود» و «از لطمه دار شدن پرستیژ خودبینانه» رجال ترسیدند»... «دریافته سازی و توجیه استادند»... «تهمت زن و دروغگو هستند»... «کاردانان تیز انتلایند» و «سیاه را سفید و سفید را سیاه جلوه میدهند.»

(از شماره هفتم «توده» سال اول، اسفند ۱۳۴۵)

۲) «مارکیست - لنینیست های توفان» در باره «انقلابیون توده»

اظهار نظر «سازمان مارکیستی - لنینیستی توفان» در باره «سازمان انقلابی حزب توده ایران در خارج از کشور» و گردانندگان آن پس از اخراج گروه سه نفری از سازمان اخیر:

«بقیناً این سه نفر (گروه انشعابگر از کمیته مرکزی حزب توده ایران - مردم) با سابقه و تجارب شخصی خویش بخوبی میدانستند که هر سازمان نوظهوری اگر چه بر اثر مبارزه جوئی انقلابیون صدیق بوجود آمده باشد از نفوذ ماجراجویان و فرصت طلبان و عمال اخلالگر امپریالیسم و رویزیونیسم خالی نتواند بود.»... «انحرافات ایدئولوژیك سیاسی و سازمانی شان هر روز کم و بیش آشکار شده است.»... «شیوه اینان بدون کم و کاست شیوه فاشیستی بود، شیوه دشمنان سوگند خورده مارکسیسم - لنینیسم بود، شیوه رویزیونیست های ورشکسته بود. اینان وقتی که سلاح تهدید و تطمیع را بی اثر یافتند و خطر افشاء مواضع ارزان و مشکوك خویش را حس کردند سراسیمه وار نقشه کشیدند»... «که این گروه را «از سر راه بردارند یعنی در واقع فرمان سازمان امنیت و رویزیونیسم جهانی را بموقع اجرا در آورند.»

اینان سه نفر را «به قصد نابودی آنها ناگهان در کشور امپریالیستی، در کشور «شیطان رود»، در کشوری که فقط به دارندگان سیم و زر حق حیات میدهد بدون کمترین وسیله امرار معاش تنها گذاشتند و خندان خندان در کمین نشستند که گیوتین کرستگی و بی خانمانی کی بر گردن آنها فرود خواهد آمد و راه فریبکاریهای سیاسی اینان را کی خواهد گشود»... «اینها افرادی هستند «که خود را در کنار مارکسیست - لنینیست ها جا داده اند و از پشت به آنها خنجر میزنند.» افرادی که در کوپیدن سه عضو کمیته مرکزی در همه حال با رویزیونیستها همآهنگی میکردند» «افرادی که چند سال نهضت پسا کمیتی - لنینیستی ایران را بتاراج مختلف در وحدت و همراهی نگه داشتند» فرصتهای گرانبهائی را فرار دادند و زمینه مساعد فعالیت را چنان بر هم زدند که برای بهبود آن زحمات و مشقات فراوان لازم است.» ... «حوادثی که... گذشته است میتواند پرتو جدیدی بر عملیات زیانکارانه این ماجراجویان سیاسی و گردانندگان و یا گردانندگان پشت پرده آنها بیفکند.»

(از «توفان» شماره ۸، دوره سوم، اردیبهشت ماه ۱۳۴۷)

«دنباله در صفحه ۳»

«تسلیت»

با نهایت تأسف از درگذشت آقای نوروزی پدر رفیق ارجمند ما «داود نوروزی» عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران و عضو هیئت تحریریه «مردم» اطلاع یافتیم. این مصیبت را به رفیق عزیزمان از صمیم قلب تسلیت میگوئیم.

کمیته مرکزی حزب توده ایران
هیئت تحریریه یاعضاء مردم

غرفه «مردم» نمایشگر مبارزه و زندگی

سی و سومین جشن روزنامه «اومانیته» کارگران مرکزی حزب کمونیست فرانسه در روزهای ۷ و ۸ سپتامبر ۱۹۶۸ در پاریس تشکیل بود. در این جشن طبق معمول همه ساله، کوی مخصوصی به غرفه های روزنامه های احزاب برادر کمونیست و کارگری تخصیص داده شده بود تا سخنگوی زندگی و مبارزهٔ مردم خویش باشند.

ماهنامه «مردم» نیز در جشن «اومانیته» نمایشگر مبارزه، زندگی و رنجهای ملت خود بود.

غرفه «مردم» را پرچمهای سه رنگ ایران زینت میدادند و صفحات سرود های انقلابی و ترانه های فولکلوری که از بلندگوی غرفه پخش میشدند سراینده پیکار مردم و یادگر کننده گوشه هائی از زندگی خلق های زحمتکش ایران بودند. تم اصلی غرفه «مردم» فقدان دموکراسی در ایران و سرکوب جنبش انقلابی طی ۲۷ سال سلطنت شاه، نمایش زندگی رقت بار مردم از یکسو و شکوه و جلال زندگی دربار از سوی دیگر بود.

وقوع زلزله در ایران و مرگ جانگاه هزاران نفر از هموطنان ما و بیخانمانی دهها هزار نفر دیگر نیز، حادثه تکاندهنده ای بود که در غرفه «مردم» جای مخصوص خود را داشت. یك تابلوی سمبلیك درباره متوقبن حادثه که توسط یك هنرمند ایرانی تهیه شده بود و نیز عکسهائی از وضع دلخراش مردم مناطق زلزله زده، تماشاگران را به همدردی و کمك به زلزله زدگان تشویق میکردند. برای جمع آوری کمك، یك صندوق درغرفهٔ «مردم» گذارده شده بود و «صندوق اعانه» جشن اومانیته نیز برای زلزله زدگان ایران کمك جمع آوری میکرد. بیش از ۷۰۰۰۰ فرانك جدید از طرف تماشاگران جشن در این دو صندوق ریخته شد و به مصرف خرید لباس و دارو برای زلزله زدگان رسید و به ایران ارسال گردید. این نشانه همبستگی مردم شرکت کننده با ملت مصیبت دیدهٔ ایران بود.

در غرفه «مردم» تصاویری از زندگی بیرنگ طبقات تهی دست در برابر سیمه های پر تلؤلو و شکوه زندگی درباری قصب های فقر و ثروت در کشور ما نشان میدادند. یکی از بینندگان گفت «جای تأسف است که مردم ایران تا اینحد فقیر باشند و شاه و درباریان اینهمه جلال و شکوه زندگی کنند».

تصاویر اعدام و تیرباران میهن پرستان انقلابی که طی ۲۷ سال سلطنت شاه به شهادت رسیده اند نفرت تماشاگران را نسبت به رژیم آزادی کش ایران بر می انگیخت. یك خانم تماشاچی هنگام بازدید غرفه «مردم» گفت «من تا بحال تصور نمیکردم که در ایران اینهمه جنایت و قتل و کشتار صورت گرفته باشد» این تصاویر در عین حال بیانگر مبارزه قهرمانانه خلقهای ایران برای احراز دموکراسی و استقلال بود.

معمولات دستهای هنرمند زحمتکشان ایران بصورت انواع قالیها، گلدان، کوزه سینی، اشیاء زینتی، رومیزی، دیوار کوبهای قلمکار، روسری، دستمال مورد توجه شدید تماشاگران خارجی بود. کارت پستالهای مناظر ایران و مینیاتور ایران، کتابهائی مانند «گلستان» و «مینیاتور ایران» بزبان فرانسه که برای فروش به تماشاگران عرضه میشد مورد استقبال قرار میگرفت.

در جریان جشن دو روزهٔ «اومانیته» غرفه مردم» علاقمندان بسیاری را بخود جلب نمود و مجموعاً میتوان گفت که غرفه «مردم» طی سه سال کوشش نمود توانسته است در بین شرکت کنندگان جشن «اومانیته» جای معینی برای خود باز کند.

برای نجات زندانیان سیاسی

رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیك شاه همچنان باقدامات تخریبی خود ادامه میدهد. زندانهای ایران پر از آزادگان میهن پرستی است که در ظلمات اختناق، مشعل مبارزه را روشن نگاهداشته اند. تمید هدمای از زندانیان حزب توده ایران و زندانیان وابسته به سازمانهای مترقی دیگر، اعزام دانشجویان مخالف رژیم به بیمارستانهای روانی، بازداشت و شکنجه گروههای جدیدی از دانشجویان، محاکمه روحانیون آزادیخواه در دادگاههای دویست نظامی و اعدام میهن پرستان کردستانی، همه و همه ماهیت ضد دموکراتیك رژیم را بیش از پیش برملا میکند.

در شرایطی که در داخل کشور امکان تظاهرات و اعتراضات نیست فقط بعرصه خارج از کشور برای نیروهای ملی و مترقی باقی میماند که باید در راه افشاء گری رژیم حد اکثر استفاده از آن بعمل آید. متأسفانه با وجود حبس و تبعیدهای جدیدی که از طرف رژیم صورت گرفته درکسال اخیر عکس العمل لازم وکافی از طرف نیروهای مترقی نشان داده نشده و فقط به اعتراضات گلگامی و پراکنده اکتفا شده است. وظیفه سازمانهای دانشجوئی در خارج از کشور و کمیته های دفاع از زندانیان سیاسی است که با استفاده از امکانات وسیع خود در این راه پیشقدم شوند و برای رهائی زندانیان سیاسی، کارزار تبلیغاتی وسیع علیه استبداد رژیم را سازمان دهند. وظیفه همه دانشجویان آزادی دوست و همه سازمانهای دانشجوئی است که بجای پرداختن به بحثهای بی سرانجام متحداً در راه مبارزه عملی و مؤثر برای نجات هم میهنان در بند خود گام گذارند.